

(۴)

## عوامل پیروزی صلح در اسلام

اسلام به تحقق صلح و صفا و تأمین آرامش و آسایش جهان، علاقه‌وفرو عنایت مخصوص، مبذول داشته‌است؛ و بهمین مناسبت از مسلمانان می‌خواهد تا همگی در حوزه صلح و سلم درآیند: «ادخلوا فی السلم كافة» (۱) و بدنبال هواهای نفسانی رهسپار نشوند. و در این باره پیامبر گرامی خود را چنین فرمان می‌دهد که: «وان جنحو للسلم فاجنح لها و توکل علی الله» (۲) «اگر دشمنان بصلح و سازش متمایل شوند تو نیز بسازش و صلح متمایل شو و کار خود را بخدا باز گذار. الف - از نظر اسلام بهترین راه برای رسیدن بصلح و سازش راه معقول و طبیعی تبادل فکرات و بهمین جهت این شریعت و ساطت فرستادگان و سفارت سفیران را بدون تکلفات و تشریفات مخصوصی که موجب اشکال شود می‌پذیرد.

(ب) - همچنین عقد پیمانها از نظر اسلام اختصاص بمورد پایان بخشیدن بحالت جنگ ندارد، بلکه این شریعت انواعی از پیمانها را تثبیت و تقریر میکند که انعقاد آنها وابسته شرائطی است که زمام‌دار اسلام آنرا درک می‌کند و چه در حال جنگ و چه در حال صلح با توجه بهمان شرائط تصمیم می‌گیرد.

۱ - بنا بر همین قاعده، اسلام بمنظور ابقاء و ادامه حال صلح و جلو گیری از ورود خدشه نسبت بصلح، پیمانهای منعقد می‌سازد، چنانکه پیامبر (ص) بهنگام ورود بمدینه پیمانی استوار با اهل کتاب منعقد ساخت، و این پیمان نخستین سنگ بنای حکومت اسلامی و اولین رابطه و پیوند سیاسی بود که اسلام بر اساس آزادی عقیده و آزادی فکر و نظر و بمنظور حفظ امنیت و سلامت مسلمین و احترام حقوق منعقد ساخت.

۱ - آیه چهارم از سوره انفال

۲ - آیه ۶۱، ۶۲، ۶۳

۲ - همچنین اسلام میان حکومت اسلامی و دیگران ، پیمانهای تدافعی و همکاری نظامی منقده می کند ، و پیامبر (ص) در مقام ارشاد بقصد اینگونه پیمانها می فرماید : «ستصالجون الروم صلحا تفزون اتموهم عدوا من ورائکم » . شما مسلمانان با رومیان صلح خواهید کرد و باتفاق ایشان بادشمنی که در پی دارید خواهید جنگید .

تاریخ اسلام از اینگونه پیمانها بسیار یاد دارد ، و از آن جمله پیمانی است که پیامبر (ص) در واقعه «حدیبیه» با طایفه «خزاعه» منعقد ساخت ، و بمقتضای همین پیمان بود که چون قریش این طایفه را مورد تجاوز قرار دادند پیامبر (ص) بحمايت ایشان و بر ضد قریش وارد جنگ شد .

۳ - اسلام گاهی بمنظور «هدنه» یعنی متار که موقت جنگ بادشمنان پیمان می بندد ، چنانکه پیامبر (ص) در واقعه حدیبیه میان مسلمین و قریش پیمان «هدنه» منعقد ساخت ، و گاهی بمنظور متار که نهائی جنگ ، پیمان منعقد میسازد ، چنانکه بانصاری نجران اینگونه پیمان بست ، و مردم نجران در این پیمان متعهد شدند که در برابر پرداخت جزیه از حمایت مسلمین برخوردار شوند .

(ج) - اسلام در کلیه این معاهدات ، مسلمین را آزاد می گذارد تا در پر تو مقضیات و مصالحی که تشخیص می دهند هر گونه پیمانی را که متضمن نفع و صلاح دولت و وطن اسلامی تشخیص دهند منعقد کنند ، و تنها شرطی را که در اینموارد خاطر نشان می سازد اینست که این پیمانها تمارض و تبانی باقانون اساسی اسلام نداشته باشد ، و مدرك این شرط بیان پیامبر (ص) است که فرمود : «كل شرط ليس في كتاب الله فهو باطل» چنانکه در مقررات سیاسی دنیای امروز نیز همین شرط نافذ و معتبر است ، و هر پیمانی که با روح قانون اساسی مملکت مباین و منافی باشد از حیث اعتبار ساقط است .

در اینجا نکته شایان دقت و جالب توجه اینست که اسلام این شرائط را تنها برای رعایت مصلحت مسلمین بکار نمی برد بلکه مصلحت معاهدین اسلام را نیز ضمن همین شروط منظور می دارد و بهمین جهت فقهاء اسلام در مبحث معاهدات می گویند هر گاه پادشاه اهل ذمه از حکومت اسلام بخواهد تا در نوع حکومت ظالمانه خود ، و در ادامه قتل و ظلم و فساد در داخله مملکت خویش آزاد گذاشته شود حکومت اسلامی نمی تواند چنین خواهشی را بپذیرد ، زیرا تقریر بر ظلم و موافقت بر بقاء تعدی و تجاوز ، با وجود قدرت بر جلوگیری از آن ، حرام است .

(د) - اسلام بمسلمین اجازه می دهد که بهنگام ضرورت از قسمتی از حقوق خود صرف نظر کنند ، و بمنظور تأمین يك مصلحت و منفعت عمومی که در آینده توقع حصول آنرا دارند ، یا

بمنظور مصون ماندن از زبانی که از وقوع آن بیمناکند ، باپرداخت مبلغی از راه سازش با دشمن درآیند ، و کارا اختلاف را با مصالحه پایان بخشند ، و سرگذشت «حدیبیه» بهترین شاهد و بارزترین نمونه برای اثبات نرمش اسلام در راه کسب صلح و تحصیل امن و آرامش است .

(۵) - ازجمله مباحث متعلق بمعاهدات صلح مبحث جزیه و رسمیت دادن آن از طرف اسلام است . مساله قابل توجه در این موضوع اینست که جزیه - آنطور که بعضی تصور کرده اند - عوض و بدل اسلام یا بهای جان و مال و ناموس جزیه دهندگان نیست ، بلکه علامتی از خضوع و تسلیم در برابر حکومت اسلامی ، و نشانه خودداری ایشان از ایجاد فتنه و آشوب و جلو گیری از انتشار دعوت ، و رمزی از همکاری ایشان در تامین مصالح دولت ، و وسیله ای برای استفاده از مزایای زندگی در کنف حکومت اسلامی است . و پردازندگان جزیه ، در برابر پرداخت این مبلغ مختصر ، علاوه بر استفاده از این مزایا ، جان و مال و عرض و ناموس خود را نیز از دستبرد هر گونه تجاوز و تعدی مصون خواهند داشت .

قاضی ابو یوسف در کتاب «الخراج» روایت می کند که ابو عبیده ، پس از مصالحه با مردم شام و دریافت جزیه و خراج ، چون خبر یافت که رومیان لشکری انبوه و نیروئی عظیم برای جنگ با مسلمین تجهیز کرده اند ؛ بحکام شهرهای شام ، نامه نوشت تاجزیه ای را که از مردم آن سامان گرفته اند باز پس دهند ، و بایشان خاطر نشان سازند که باز پس دادن این اموال از آن جهتست که رومیان بقصد حمله بر مسلمین لشکری عظیم آراسته اند ، و لشکر اسلام در آن شرائط قادر بمقاومت در برابر ایشان نیست ، و چون شرط گرفتن جزیه حمایت و حراست جزیه دهندگانست و قیام باین شرط برای مسلمین میسر نیست ، از اینرو این اموال بصاحبانش باز پس داده می شود ، ولی هر گاه خدا لشکر اسلام را بردشمن پیروزی بخشد ، فرمانده قوای اسلام با مردم آن سامان در پیمان های سابق خود وفادار خواهد بود .

این نص تاریخی دلیلی آشکار و سندی غیر قابل انکار ، بر نرمش اسلام در خصوص جزیه و جزیه گزاران است ، و بهمین مناسبت است که اسلام زنان و کودکان و عجزه و ضعفاء و رهبان و امثال ایشان را - که قدرت مالی ندارند - بداعی مروت و رحم از پرداخت جزیه معاف ساخته است .

(و) موضوع دیگری که یاد آوری آن در اینجا لازم است اینست که اسلام مسلمین را موظف می سازد تا سیاست ایشان بطور کلی - درباره پیمانها بر پایه تراضی و صلح دوستی و تثبیت امنیت و عدالت استوار باشد . و بهمین جهت هر گونه پیمانی که اساس آن قهر و غلبه و اعمال زور باشد ، از نظر اسلام مذموم و نارواست ، و خدعه و خیانت در اجراء پیمان ، زشت و ناپسند است ، و

اسلام، مردم پیمان شکن را بدترین چهارپایان می نامد، و فرمان می دهد تا زمام داران مسلمین درباره خائنینی که عهد و میثاق را محترم نمی شمارند شدیدترین سیاست را بکار برند، و مقرر می دارد تا در مواردی که شرایط استثنائی و مقتضیات خاصی موجب فسخ پیمان شود شرایط فسخ میان مسلمین و غیر مسلمین مساوی باشد، بلکه مقرر می دارد که در چنین شرایطی فرصت کافی در اختیار دشمن گذارده شود، تا با استفاده از آن فرصت، خیر فسخ پیمان را براساس قلمرو خود ابلاغ کند، و قرآن کریم در این باره می گوید: «واما تخافن من قوم خیانة فانبذ الیهم علی سواء، ان الله یحب الخائنین» (۱) یعنی «هر گاه بیم آن داشته باشی که دشمن، پیمانی را که با حکومت اسلام بسته، نقض کند، در این صورت آن پیمان را فسخ کن و دشمن را از این ماجرا آگاه ساز، چنانکه تو و دشمن تو در علم و اطلاع بر فسخ پیمان برابر باشید، و هیچگاه قبل از اعلام فسخ بجنگ مبادرت مکن زیرا خدا خائنین را دوست نمی دارد».

در اینجا شایسته است آیاتی را که در قرآن کریم راجع باحترام و عظمت عهد و تاکید در باره وفاء بعد نازل شده، و عنصر مهمی از سیاست خارجی اسلام را بوجود آورده یاد آور شویم.

«واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم، ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما تفعلون، ولا تكونوا کالذی نقضت غزلهما من بعد قوه انکاثا، تتخذون ایمانکم دخلا بینکم ان تكون امة هی اریبی من امة...» (۲) یعنی: «هر زمان که پیمانی منعقد سازید بمهد خود، که در حقیقت عهد با خدا است، وفاء کنید، و پس از عقد پیمانها آنرا مشکنید، و چگونه نقض عهد می کنید در صورتیکه آنرا بنام خدا بسته اید و خدا را سرپرست آن قرار داده اید؟ پس اندیشه پیمان شکنی بدل راه مدهید، زیرا خدا بهر کار که شما می کنید داناست. و مانند آن زن (سفیه) مباشید که رشته خود را پس از کوشش و دقت در رشتن آن، پاره پاره می کرد، پس شما چنین مباشید که بر عایت زور مندی و ملاحظه فزونی عده قومی، پیمان خود را وسیله خیانت نسبت بقوم ضعیف قرار دهید».

«ولا تتخذوا ایمانکم دخلا بینکم فتنزل قدم بعدم ثبوتها و تذوقوا السوء بما صدتم عن سبیل الله ولکم عذاب عظیم» (۳) یعنی «پیمانی را که میان خود منعقد می کنید وسیله خدعه و بقیه در صفحه ۳۴

(۱) آیه ۵۸ از سوره انفال

(۲) آیه ۹۱، ۹۲ از سوره نحل.

(۳) «...» ۹۴

## گلادیاتورهای سیاه

### بدون شرح :

مسابقه «مدیسون اسکوایر گاردن» پایان رسیده است. فراشان هزاران تماشگر عصبی بجای گذاشته بودند جمع کردند، چندتن از آنها خون دوسياه را که روی رینگ ریخته شده بود، شستند کمی دورتر، در هتل «والدروف استوریا» چند مرد چاق! که سیکار برك دود می کردند، به حساب پولها رسیدند، آنها باید چیزی در حدود ۲۵ میلیون تومان رامیان خود تقسیم می کردند (وهمانها بودند که گاو بندی کردند تا کلی شکست بخورد و می گویند قبلا اورا «چیز خور» کردند که شکستش قطعی باشد).

بر خوردمحمد علی کلی و جو فریزر - فرزندان دو خانواده فقیر سیاه مسردانی که پدران شان برده های فراری بودند، نشانه ای است از يك سیستم اخلاقی - اجتماعی شگفتی آور که جنك خروسها را غیر قانونی اعلام میکند اما جنك انسانها را روی رینگ بوکس به صورت يك مراسم خرافی بین المللی درمی آورد، فریزر و کلی برای چه نبرد کرده اند؟

ممکن است بگوئید برای عنوان قهرمانی جهان! یا برای چند میلیون تومان دستمزدی که بخش عمده آن بجیب وزارت دارائی ایالات متحده رفت (از هر کدام در حدود ۱۲ میلیون تومان مالیات! گرفت). اما می بینیم که دستگاه های بازرگانی و تبلیغاتی سود اصلی را می برند در حالی که خشونت پنهان در بطن اجتماع ایالات متحده بدین ترتیب ارضاء میشود.

نبرد کلی و فریزر انسان را بی اختیار بیاد روزهای که شهر و ندان فر به و نر و تمند امپراتوری دور رینگ می نشستند و انسان - هائی را در حال حمله به يك دیگر می دیدند و لذت می بردند!

کلی و فریزر هر هیچ دلیلی برای جنگیدن با یکدیگر ندارند.

انسانی که بخاطر آرمان های بزرگ اجتماعی یاد فاع از خویش نبرد نمیکند دلیلی برای نبرد ندارد.

امروز جنك گلادیاتورها جنبه جهانی پیدا کرده است: میلیون ها تماشاگر

روزنامه فروشی، باربری و حتی آوازه -  
خوانی - زندگی خود و خانواده های پر  
جمعیت شان را تأمین کنند، اما در جهانی  
که ارزش کار انسانی را بازی عرضه و تقاضا  
تعیین میکند از این راه ها نمیتوان يك حد  
اقل زندگی را بدست آورد.

**خدایان بی عدالتی اجتماعی  
قربانی می طلبند و کدام قربانی  
بہتر از فرزندان يك برده سیاه فراری  
میتواند باشد؟**

مشت زنی حرفه ای، در ایات متحده صنعت  
بزرگی است که هر سال صدها میلیون دلار  
درآمد دارد، در گوشه و کنار آن کشور  
بزرگ هزاران کلی و فریزیر دست و پنجه  
نرم میکنند تا چرخ های این صنعت غول  
آسا به گردش ادامه دهد.

بر خوردی که در «مدیسون اسکویپر  
کاردن» رخ داد بزرگترین نمایش سالانه  
این صنعت بود،

**صنعتی که انسان را در برابر  
انسان قرار میدهد و برادر را و امی  
دارد که خون برادری را بریزد ۰۰۱۵  
تلخیص از کیهان شماره ۸۲۹۲  
مورخ اسفندماه ۱۳۴۹**

## پسرهای امل

اعتراف:

... شاید از مطلبی که میخواهم عنوان  
کنم تعجب کنید اما این عین واقعیت است

تلویزیون شاهد این بر خورد وحشیانه  
پوچ و صد درصد تجاری اند (و گفتند که  
گانگسترها هم در حدود پانصد هزار دلار  
از شرط بندی بادیگران بردند ۰۰۱).  
این تصادفی نیست که هم فریزیر و هم کلی  
گفته اند که ترس از بیکاری و فقر و امیدر فاه  
و ثروت آنان را به سوی مشت زنی حرفه  
ای کشانده است. صدها هزار جوان سیاه  
پوست ایالات جنوبی که فرصت درس خواندن  
و ورود به اجتماع تکنولوژی نورانداشته اند  
با پذیرفتن بردگی «گلا دیاتوری» نوع  
جدیدی می کوشند تا خود را از ورطه فقر،  
بیکاری و انحطاط برهانند، کارولینای  
جنوبی، جورجیا، کنتاکی و آتلانتا، پر  
از هزاران فریزیر و کلی دیگر است.

توجه خارق العاده سراسر جهان به نبرد  
فریزیر و کلی دو چیز را نشان میدهد: نخست  
قدرت شگفتی آور تبلیغات و بازاریابی را  
در سطح بین المللی. دوم حالت اخلاقی  
حیرت انگیزی را که بر جهان نیمه دوم  
سده بیستم حکم فرما شده است. بزرگترین  
دستاورد های صلح آمیز انسان امروز کو -  
چکترین توجهی را به خود جلب نمیکند،  
در حالی که هر گاه انسان بر میخیزد تا در  
چشم برادر خود پنجه زند دلها به تیش در  
می آید و چشم ها متوجه صحنه نبرد می گردد  
هم فریزیر و هم کلی پیش از آن که دست  
زن، شوند کوشیده بودند که از راه های  
گوناگون از جمله کمک رانندگی پیشخدمتی

## نیپال کعبه هیپی‌ها

تادوماه پیش نیپال در حدود ۱۵ هزار هیپی داشت. اما اکنون دولت بر آن شده است که هیپی‌ها را از کشور براند. زیرا حضور آنها اجتماع سنتی نیپال را در خطر افکنده است. هیپی‌ها نه تنها عادات و رسوم ناشناس غربی را به این سرزمین دورافتاده آوردند بلکه مایه شیوع بیماری‌های مقاربتی و اعتیاد به حشیش نیز گردیدند.

هیپی‌ها معمولاً از راه زمین از اروپای باختری خود را به ترکیه می‌رسانند و در آنجا - غالباً برای نخستین بار - با طعم حشیش آشنا می‌شوند. در همان جاست که آنها پول مختصری را که به همراه دارند صرف حشیش می‌کنند و سپس بناچار تن به فحشا می‌دهند. آنها سپس به لطف و مرحمت رانندگان کامیون‌ها خود را به ایران می‌رسانند و پس از جمع‌آوری مبلغی پول از طریق گدایی و خودفروشی از راه افغانستان، پاکستان و هند خود را به قبیله گاهشان می‌رسانند.

این سفر که با آرمان پرستی و بنام جستجوی عشق و راستی آغاز می‌شود با حشیش گدایی، سفلیس و شکست روحی پایان می‌یابد. هیپی‌ها همین‌که به نیپال رسیدند موجوداتی هستند له‌شده که از انسانیت تنها ظاهر آن و دردهای آنرا با خود دارند.

و بخصوص کسانی که مدتی در اروپا یا آمریکا زندگی کرده‌اند، می‌توانند صحت آن را تأیید کنند. من چند سال در سوئد بودم که یکی از باصطلاح پیشرفته‌ترین کشورهای جهان در مسائل مربوط به روابط زن و مرد است. باور کنید در این محیط خود دخترها از این همه آزادی که در اختیارشان هست بستوه آمده بودند. آنها از سردی و بی‌تفاوتی پسرها نسبت به خودشان رنج می‌بردند و حسرت دوره مادر بزرگهایشان را می‌کشیدند که دخترها محدود بودند و پسرها برای یک نگاه یا لبخند آنها در برابرشان زانومی زدند. بسیاری از این دخترها بمن می‌گفتند: خوش به حال دخترهای شرقی که هنوز با طعم تلخ آزادی پر زرق و برق ما آشنا نشده‌اند. ما صد بار ترجیح می‌دهیم که پسرهای سوئدی مثل مردهای شرقی، مسلط، حسود، پر توقع، خشن و نسبت به زن غیرتی باشند، نه اینکه مثل حالا این همه سردی و بی‌تفاوتی نشان بدهند. با این ترتیب آیا دخترهای ایرانی که پسرها را امل می‌خوانند و خیال می‌کنند هر چه بیشتر در تقلید از دنیای غرب پیشتازی کنند موفق تر هستند، تجربه تلخ همجنسان سوئدی خود را تکرار نمی‌کنند؟ آیا بعد از مدتی چراغ بر نخواهند داشت و در بدر بد نیپال یک پسر امل و حسودا و غیرتی نخواهند گشت ۱۹

مجله زن روز صفحه ۹۹ شماره ۳۱۱

سرزمینهایی می‌بینند که بخیال آن‌ها لبریز است از آسودگی و شادی. آن‌ها نمی‌توانند بفهمند چرا جوانان غربی سرزمین‌های خود را رها می‌کنند و به نپال می‌آیند.

در همان حال که شماره هیپی‌ها در نپال کاهش می‌یابد شماره توریست‌های میانه سال افزایش می‌یابد، به نظر می‌رسد که پدران و ماداران هیپی‌های دیروز، اکنون آمده‌اند سرزمین موعود فرزندان خود را از نزدیک ببینند.

غالب آنها دل‌زده و عصبانی از نپال بر-می‌گردند، این همه تنگدستی غذاهای بی‌مزه، معابد هراس‌انگیز و مجسمه‌های وحشتناک، انبوه گدایان خردسال، بی‌اعتمادی کامل نپالی‌ها به بیگانگان و احساس کشیده شدن بسوی صفر مطلق برای این توریست‌ها درسی است تلخ که هرگز از یاد نخواهند برد.

ته‌جیب آور نیست که آن‌ها می‌گویند: در نپال آنچه طبیعت ساخته است زیباست و آنچه ساخته انسان است زشت و وحشت‌آور. چهره سنگی خدایان و دیوهای نپالی که گاه می‌خندند، گاه می‌گریزند، گاه شادند و گاه غمناک به صورت کابوسی درمی‌آید که در پاریس، لندن، مونیخ و لوس‌آنجلس نیز جهانگردان باختری را هانمی‌کند. هیپی‌ها این را پیش از پدران و ماداران خود در یافتند یکی از آن‌ها می‌گفت: مادر

جهانگردان خوشگذرانی که از سراسر جهان به نپال می‌آیند هیپی‌ها را به صورت جزئی از مناظر طبیعی کشور تلقی می‌کنند؛ پسران هیپی دست به گدایی، جیب‌بری، قاچاق ارز و حشیش می‌زنند و دختران هیپی خود را به روانشناسی می‌فروشند.

سقوط روحی این ایدالیست‌های شورشی برآستی هراس‌آور است. در نپال اجتماعی رامی‌بینید که نه ماشین دارد نه صنعت، نه یک غول نظامی است و نه یک غول صنعتی و با این حال توانسته است که مشکلات اخلاقی و معنوی غرب‌تر و تمند و پر زور را حل کند این مشکلات ظاهراً هرگز در نپال وجود نداشته‌اند.

ورود هیپی‌ها و پس از آن توریست‌ها دست کم یک تأثیر بد بر اجتماع نپالی داشته است: صدها کودک نپالی زیر نفوذ هیپی‌ها به گدایی خو کرده‌اند، پس از چند سال دمیخوری با هیپی‌های ملل گوناگون این گدایان خردسال به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی و حتی هلندی و دانمارکی آشنا شده‌اند!

### گیاهان بی‌ریشه

این گدایان خردسال آینده‌شومی در انتظار دارند زیرا بر اثر تماس با جهان بیرون، از اجتماع سنتی خود بریده‌اند و اکنون همانند گیاهانی بی‌ریشه در یک خلاء معنوی رشد می‌کنند، آن‌ها خواب



جست و جوی زندگی تازه‌ای به نپال آمدیم و آنرا نیافتیم ، در عوض زندگی گذشته خود را نیز از دست دادیم اکنون نه در خاوریم و نه در باختر ، پلی هستیم بین هیچ کجا و هیچ کجا و هیچ کجا ، این یکی از کم‌دیهای غم انگیز تاریخ است که مکتب جدید عشق و گل اهیگیری در قبله گاه خود در نپال زیر فشار یاس، نفرت، حشیش، سیفلیس و خود باختگی مرده است .

تلخیص یکی از مجلات هفتگی چاپ

تهران شماره ۳۰۸ صفحه ۹ و ۸  
**مکتب اسلام** : چنین است  
 محصول هیپی گری و سرانجام آن .. وای  
 کاش در کشور ما برای ورود این گدایان  
 غربی سخت گیری های لازم را انجام میدادند  
 و سپس سر نوشت آنان را برای نسل جوانی  
 که کور کورانه تقلید می کند، بازگو  
 میکردند و شاید در این امر، هشداری برای  
 جوانان و خانواده هایشان باشد...

بقیه از صفحه ۲۹

نیرنگ مسازید که اگر چنین کنید گامتان از پایگاه سیاست قوی و قوم حق بنفرد و از صراط مستقیم عدالت منحرف گردد ، و بعلمت ممانعت از انتشار دین خدا - که نتیجه پیمان شکنی است - در دنیا زهر ناکامی و بدبختی بچشید ، و در آخرت گرفتار عذابی عظیم شوید .

اسلام در کار وفاداری به عهد و میثاق تا آنجا کوشش و عنایت داشت که حتی بمسلمین اجازه نداد تا در مقام یاری و مددکاری برادران دینی خود که در میان مشرکین معاهد اسلام میزیستند و یارای هجرت از سرزمین دشمنان نداشتند قیام کنند ، و قرآن در این باره گفت : «والذین آمنوا ولم یهاجروا مالکم من ولائهم من شیء حتی یهاجروا ، وان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر الاعلی قوم بینکم و بینهم میثاق» (۱) یعنی کسانی که باسلام گرویده اند و از بلاد کفر هجرت نکرده اند یاری ایشان برعهده شما نیست ، و اگر ایشان در کار دین و حمایت خود ، برضد مشرکین از شما استمداد کنند ، برعهده شماست که بیاری ایشان قیام کنید ، مگر در مقابل قومی که میان شما و آن قوم پیمانی وجود داشته باشد .

این نمودار مختصری از مهمترین قواعدی است که اسلام در مقابل تنظیم روابط مسلمین با اقوام غیر مسلمان و دولتهای بیگانه تشریح کرده است اکنون در شماره آینده ، بیحقی کوتاه در باره معاملات دولت اسلام با بیگانگان مقیم کشور اسلامی می پردازیم :